

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۰

doi 10.22034/nf.2023.296937.1071

## ولایت‌نامه؛ کوزه‌ای بر حسته در ادبیات شیعی قرن نهم

حمزه کفّاش\* (دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران)

چکیده: قرن نهم دوره اوج‌گیری شعر شیعی در قالب ترکیب‌بند و قصیده و حماسه مذهبی است. در آن میان، شکلی از قصیده دیده می‌شود که شاعران آن عصر به آن «ولایت‌نامه» می‌گویند. تاکنون افزون بر شصت مورد از این شکل قصیده در دیوان شاعرانی چون سلیمی تونی، ابن‌حسام خوسفی، آذری‌سفرآینی و... دیده شده است. این قالب به دو دلیل در تاریخ قصیده فارسی بی‌سابقه بوده است؛ نخست اینکه تعلق به گروه مذهبی و فکری خاصی دارد و دیگر آنکه دارای نام خاص و محتوای مشخص واحدی است.

این مقاله در پی آن است تا ولایت‌نامه را به‌مثابه گونه ادبی خاص شیعی در قرن نهم معرفی کند و به نقش این گونه ادبی در شکل‌گیری گفتمان شیعی شاعران در قرن نهم بپردازد. در این پژوهش، ابزارهای زبانی مورد استفاده شاعران، از قبیل لقب‌دهی، اغراق و مبالغه، خیالی شدن عقاید و همچنین استناد به آیات و احادیث، امامت، عصمت، علم و مفهوم کلیدی ولایت در نزد تشیع، خطابی بودن ولایت‌نامه‌ها و غیره، با نگرشی تاریخی و تحلیل گفتمانی، مورد مذاقه قرار گرفته است تا تلاش شاعران برای رواج گفتمان شیعی و ترویج نظام اعتقادی تشیع در قرن نهم بررسی شود. همچنین، در این مقاله به ساختار این گونه ادبی اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: ولایت‌نامه، ادبیات شیعی، قرن نهم، گونه ادبی، ژانر شیعی.

### پیشینه تحقیق

مقاله پیش‌رو مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤلف با عنوان ولایت‌نامه به‌مثابه گونه ادبی

\* irhamzehkaffash@gmail.com

خاصّ شیعی در قرن نهم هجری است که در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شد. تا آن زمان هیچ تحقیق جامعی در خصوص این گونه ادبیات شیعی صورت نگرفته و برخی از نسخ خطی مورد استفاده در این مقاله به چاپ نرسیده بود. اکنون که این مقاله، پس از چندی تأخیر، جامه نشر بر تن می‌کند، مقالات و رساله‌ای در این موضوع نوشته شده است. برای نمونه، مقاله‌ای با عنوان «ولایت‌نامه؛ نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی» به قلم سعید بزرگ بیگدلی و اکرم کرمی منتشر شده که در آن به پایان‌نامه نگارنده ارجاع داده‌اند. مقاله یادشده مستخرج از رساله دکتری ایشان با عنوان تحلیل گونه‌های شعر شیعی از قرن هفتم تا قرن نهم (با تأکید بر تحلیل بوطیقای گونه ولایت‌نامه) در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است. خانم اکرم کرمی مقاله دیگری هم با عنوان «نمادهای قدسی در ولایت‌نامه‌های حضرت علی<sup>ع</sup>» دارند.

## ۱. طرح مسئله

### ۱-۱. ادبیات شیعی در قرن نهم

شعر شیعی در تاریخ ادبیات فارسی از قرن‌های چهارم و پنجم آغاز شد. در آن دوره، سخت‌گیری حاکمان در باب عقاید مذهبی از یک سو و رسمی نبودن مذهب تشیع از سوی دیگر مجال را بر شاعران تنگ کرده بود؛ از این رو، آنان نمی‌توانستند عقاید مذهبی خود را آزادانه بیان کنند. حتی دولت مستعجل آل بویه هم دیری نپایید و شکست خورد؛ هر چند این جریان با حضور شاعرانی چون کسایی و ناصر خسرو هیچ‌گاه از پای ننشست.

تشیع و تسنن در قرن نهم وضعیتی ویژه داشتند. گویا تیموریان، که حنفی مذهب بودند، سخت‌گیری چندانی بر مذاهب نداشته‌اند و کمابیش روادارانه برخورد می‌کرده‌اند. شیعیان از راه‌های گوناگونی برای تقویت و گسترش عقاید خود در این قرن استفاده کردند. یکی از راه‌های مؤثر در شکل‌گیری گفتمان تشیع ذکر مناقب اهل بیت<sup>ع</sup> از زبان شاعران بود که در قرن نهم به اوج خود رسید.

از یک منظر، تطوّر شعر شیعی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

(۱) دوره تولد یا آغاز: قرن هشتم را می‌توان زمان ورود اندیشه‌ها و عقاید شیعی به ادب فارسی دانست. البته عقاید شیعی قبل از قرن هشتم در ادوار تاریخ ادبیات فارسی وجود داشته و شاعرانی چون کسایی، ناصر خسرو، قوامی رازی و... را به خود دیده است، اما در این قرن بروز عقاید شیعی در شاعران شکل دیگری به خود می‌گیرد. تا قبل از قرن هشتم، شاعران، اگر گرایشی به تشیع داشتند، اشعارشان از حد مدح و وصف فراتر نمی‌رفت؛ اما در قرن هشتم، با وجود شاعرانی چون

حسن کاشی، تحوّل شگرفی در ادبیات شیعی به وجود آمد و آن تحوّل این است که شاعران عقاید کلامی-سیاسی شیعی را آشکارا بیان می‌کنند و اشعارشان از محدوده مدح صرف فراتر می‌رود و شعر ابزار بیان عقاید می‌شود.

۲) اوج و گسترش مبانی ادبی شیعه: قرن نهم را باید دوره شکل‌گیری ادبیات شیعی دانست. در این قرن، به دلیل فضای آزاد سیاسی پس از مغول، شعر از نهاد قدرت (دربار) خارج شد. هرچند عده‌ای ارزش شعر در این دوره را در میان طبقات روحانی و متشرعان پایین می‌دانند (نک: یارشاطر، ص ۹۹)، اما بیشتر شاعران این دوره، به شهادت تذکره‌ها، از فضلا و علمای زمان خود بودند که معمولاً به دربار خاصی تعلق نداشتند و با اشعار مذهبی‌شان توانستند پایگاه اجتماعی خود را در میان قشرهای متوسط جامعه حفظ کنند. به این ترتیب، جامعه شیعی، با به‌کارگیری رسانه شعر، در قرن نهم در حال گفتمان‌سازی و گسترش مبانی اعتقادی خود بوده است.

۳) دوره تثبیت: با به قدرت رسیدن حکومت صفویّه و رسمی شدن مذهب تشیع، گفتمان تشیع شعر را به‌عنوان رسانه‌ای مؤثر تثبیت کرد. در قرن دهم شاعران این حرکت را ادامه دادند. در دیوان اغلب شاعران قرن دهم قصیده‌های شیعی در مدح و مرثیه امامان شیعه وجود دارد. افرادی چون محتشم کاشانی و بابافغانی از مشهورترین شاعران این دوره به‌شمارند. بررسی شکل ادبیات شیعی در قرن دهم خود بحث جداگانه‌ای می‌طلبد که از حوصله این مقاله خارج است.

در قرن نهم، شاعران از اکثر قالب‌های رایج شعر فارسی استفاده می‌کردند. وجه تمایز قالب‌های شعر فارسی در این دوره کارکرد مذهبی و عقیدتی آن‌ها بود. آنچه شعر این صد سال را از گذشته متمایز می‌کند ظهور عقاید مذهبی و اعتقادی شیعه در شعر است که شاعران از آن به‌عنوان رسانه‌ای کارآمد برای نشر عقاید مذهبی و سیاسی خود بهره می‌گیرند. قالب‌های شعر فارسی، مانند ترجیع‌بند و ترکیب‌بند، مثنوی، غزل و بحر طویل، هرکدام در این قرن با مقاصد مذهبی و فکری مورد استفاده شاعران بوده است. بحر طویل یکی از قالب‌های شعر فارسی است که برای بیان مدح و منقبت ائمه اطهار به کار رفته است و رواج و شکل‌گیری آن را در قرن نهم دانسته‌اند. از آنجاکه بحر طویل در میان توده مردم رواج پیدا کرد و از حوزه ادب درباری فاصله داشت، توانست، با محور قرار دادن موضوعات عقیدتی و مذهبی، در میان قشرهای عادی جامعه نفوذ پیدا کند. همچنین، نوع وزن و موسیقی درونی بحر طویل در مقایسه با دیگر قالب‌های شعر فارسی بیشتر مناسب موضوعاتی چون تعزیه و مناقب خوانی و... بود و در جلب نظر مخاطبان عادی بسیار مؤثر می‌افتاد و شاعران این اشعار را در کوچه و بازار می‌خواندند. درواقع، ضرب‌آهنگ شاد وزن باعث پویایی و هیجان‌بخشی به مردم می‌شد و از این‌رو، این قالب در فرهنگ عامه مقبولیت یافت؛

چنان‌که دولت‌شاه به معرکه‌گیری و شعرخوانی‌های کمال غیاث شیرازی در کوی و بازار اشاره کرده است. (نک: دولت‌شاه سمرقندی، ص ۴۱۸)

قصیده قالب اصلی شعر شیعی در قرن نهم است. «قصیده» شعری اجتماعی است که خواه در مقام گفتمان اقلیت و خواه در خدمت گفتمان اکثریت همیشه با نهاد قدرت ارتباط مستقیم داشته است. بنابراین، موضوعات آن مسائل اجتماعی بوده است؛ به عبارت دیگر، قصیده هم به لحاظ سنتی ظرف مسائل اجتماعی و اعتقادی است و هم از نظر شکلی مجال بیشتری برای طرح مسائل دارد و زبان آن نیز به زبان قدرت نزدیک‌تر است. از این رو، شاعران شیعی در قرن نهم، با توجه به قدرت سیاسی به دست آمده، عقاید مذهبی خود را در قالب قصیده می‌سرودند.

## ۲. ولایت‌نامه؛ گونه برجسته ادبی شیعی

### ۲-۱. ولایت‌نامه چیست؟

ولایت‌نامه گونه‌ای قصیده است که شاعران شیعی برای بیان عقاید و آرای مذهبی خود طرح کرده‌اند. این قصاید به لحاظ ساخت بیرونی و قالب چندان تفاوتی با قصاید متعارف ندارند، اما نام آن‌ها نشان می‌دهد که تفاوت اصلی‌شان در موضوع و محتواست؛ هر چند به تفاوت‌های ساختاری آن‌ها نیز خواهیم پرداخت. واژه «ولایت» یکی از اصطلاحات کلیدی نظام اعتقادی شیعه است که اساس عقاید کلامی - سیاسی آن را شکل می‌دهد.

در پاسخ به این پرسش که چرا این گونه ادبی با نام «ولایت‌نامه» شهرت یافته است، می‌توان گفت شاعران، با نام‌گذاری دقیق این گونه ادبی، بحث اصلی خود را بر مسئله ولایت، که کلیدی‌ترین مفهوم در عقاید شیعه دوازده امامی است، معطوف کرده‌اند و دیگر اینکه این گونه ادبی در اثبات حقایق خلافت و امامت امام علی<sup>ع</sup>، با ذکر کرامت‌ها و فضیلت‌های آن حضرت و دیگر ائمه، با روشی خاص، که در تاریخ قصیده فارسی بی‌سابقه بوده، سروده شده است.

### ۲-۲. اصطلاح ولایت‌نامه و منشأ آن

شکل‌گیری این گونه ادبی را می‌توان در قرن هشتم و نهم دانست. این گونه ادبی، که در تاریخ قصیده فارسی بی‌سابقه است، در قرن نهم با استقبال فراوان شاعران روبه‌رو شد. کهن‌ترین سند موجود از کاربرد اصطلاح «ولایت‌نامه» را در دیوان سلیمی تونی (وفات: ۸۵۴ ق) یافته‌ام. شاعران قرن نهم، به ویژه سلیمی تونی، این نام‌گذاری را آگاهانه و به منظوری خاص انجام داده‌اند. اصطلاح «ولایت‌نامه» پنج بار در قصاید سلیمی تونی آمده است:

- این ولایت‌نامه ثبت اندر کتاب معتبر  
هست اخبار صحیح و از روایات متین  
(سلیمی تونی، ص ۱۹۲)
- شاهد این حال دارم یک ولایت‌نامه‌ای  
تا بگویم با تو یک ساعت به من کن گوش جان  
(همان، ص ۱۹۷)
- از این جمله ولایت‌نامه‌ای هست  
که گردد ز استماعش عقل حیران  
(همان، ص ۲۳۹)
- بعد حمد خالق و نعت نبی هاشمی  
یک ولایت‌نامه دارم بس عجایب گوش دار  
(همان، ص ۱۱۱)
- این ولایت‌نامه در جمله جهان مشهور شد  
گشت نظم بنده هم مانند دُر شاهوار  
(همان، ص ۱۱۸)
- اصطلاح «ولایت‌نامه» با محتوای قصیده، که در باب ولایت امام علی<sup>ع</sup> سروده می‌شود، کاملاً  
منطبق است. محتوای این قصاید شامل کرامت‌ها، قضاوت‌ها و معجزات حضرت علی<sup>ع</sup> است.  
چنین قالب شعری‌ای پیش از قرن هشتم و نهم در تاریخ ادبیات فارسی سابقه نداشته است. در  
ادبیات فارسی اصطلاحات مشابهی چون کارنامه، ده‌نامه، عشاق‌نامه، هوس‌نامه، شاه‌نامه،  
مصیبت‌نامه، خسرونامه، الهی‌نامه و مانند آن‌ها بسیار است. به همین دلیل، اصطلاح «ولایت‌نامه»،  
با وجود تازگی، در قیاس با این اصطلاحات، در گونه‌شناسی ادب فارسی چندان نامأنوس  
به نظر نمی‌رسد.
- بعد از سلیمی (وفات: ۸۵۴ ق) این اصطلاح وارد تذکره‌ها و منابع تاریخ ادبی شده و از جمله در  
دو تذکره مهم فارسی، در ترجمه سلیمی تونی و در توضیح قصاید ولایت‌نامه‌ای وی، آمده است.  
در تذکره دولت‌شاه سمرقندی (۸۹۲ ق)، در بخش معرفی سلیمی تونی، این‌گونه آمده است:
- مرد سلیم طبع و نیکونهاد و اهل دل بوده و در شاعری طبعی قوی داشته و در منتبت امیرالمؤمنین علی  
کَرَمَ اللّٰهُ وَجْهَهُ و اولاد بزرگوار او و ائمه معصومین رضوان اللّٰه علیهم اجمعین قصاید غرّا دارد و  
ولایت‌نامه‌ها چون او کسی از جمله مدّاحان نظم نکرده... (دولت‌شاه سمرقندی، ص ۴۱۲)
- از سخن دولت‌شاه برمی‌آید که ولایت‌نامه گونه شناخته‌شده‌ای بوده است و کسی از مدّاحان مثل  
سلیمی تونی ولایت‌نامه نسوده است.
- تقی‌الدین کاشی، در رکن چهارم تذکره خلاصه الأشعار (۹۹۳ ق)، در ذیل «سلیمی»، شبیه  
دولت‌شاه می‌نویسد:
- مرد فاضل و سلیم‌القلب بوده و در اکثر علوم صاحب وقوف و بهره‌ای داشته و در علم شعر و شاعری

صاحب قدرت بوده و طبع روان داشته و از فرط دانش و عقیده پاک به مناقب ائمه معصومین، صلوات الله علیهم، پرداخته و قصاید غزاً نظم کرده و چندین ولایت‌نامه در رشته نظم کشیده و ترتیب داده که مزیدی بر آن متصور نیست و در ترویج و تشهیر آن ولایت‌نامه‌ها به نوعی مساعی جمیله جزلیه مرعی داشته که آثار حسنه آن بر مداحان و عالمیان ظاهر است... (تقی‌الدین کاشی، رکن چهارم، برگ ۱۳۰)

در این تذکره نیز ولایت‌نامه قصیده‌ای معرفی شده است که در مدح و مناقب ائمه می‌سروده‌اند. همچنین، این سخن ادعای ما را درباره اینکه ولایت‌نامه‌سرایی پیش از قرن نهم شکل گرفته است اثبات می‌کند، زیرا نوشته است سلیمی در «ترویج و تشهیر» ولایت‌نامه‌ها تلاش‌های فراوانی کرده است و دیگر مداحان از وی تقلید کرده‌اند. همچنین دولت‌شاه به این نکته اشاره می‌کند که ولایت‌نامه‌ها را کسی از «جمله مداحان» به شکلی که سلیمی سروده به کار نبرده است. پس سلیمی تونی شیوه سرایش ولایت‌نامه را به اوج و کمال خود می‌رساند و در نتیجه، ولایت‌نامه در قرن نهم به عنوان یک گونه ادبی خاص، با مقاصد عقیدتی، که در خدمت افکار یک گروه مذهبی (شیخ) به کار گرفته می‌شد، رواج پیدا می‌کند. اینکه شاعران به این گونه ادبی تازه نام ولایت‌نامه می‌دهند حاکی از این مطلب است که ساختار و مفاهیم این نوع قصیده برای آنان کاملاً مشخص و شناخته شده بوده است. در واقع، شاعران شیعی در قرن نهم، با آوردن اصطلاح ولایت‌نامه در قصاید خود، آن را از دیگر قصاید جدا می‌کرده‌اند.  
در اینجا چند نمونه می‌آوریم:

ولایت‌نامه‌ای دارم ز سیر ساقی کوثر  
ولی حضرت یزدان امیرالمؤمنین حیدر  
(جنگ شماره ۶۰۵۹ مجلس، برگ ۳۰۷)  
بعد حمد خالق و نعت نبی هاشمی  
یک ولایت‌نامه دارم بس عجایب گوش دار  
(سلیمی تونی، ص ۱۱۱)

### ۲-۳. نخستین ولایت‌نامه شناخته شده

در میان جنگ‌های شعر باقی مانده از قرن نهم، جنگ شماره ۳۵۲۸ دانشگاه تهران از نظر تعداد قصیده‌هایی که در منقبت ائمه سروده شده و ذکر نام شاعرانی که در تذکره‌های دیگر نیامده درخور توجه بسیار است. مؤلف این جنگ فردی به نام علی بن احمد است که اشعار خود را نیز با عنوان «لکاتبه» در این جنگ آورده است. تاریخ کتابت در ترقیمه ۸۴۴ آمده است که نمی‌تواند درست باشد، زیرا قصیده‌ای از شاعری به نام توحیدی نقل می‌کند که در تاریخ ۹۳۳ سروده است (جنگ شماره ۳۵۲۸ دانشگاه تهران، برگ ۲۸۵) و علاوه بر این، از شاعرانی نقل شعر می‌کند که متعلق به قرن

نهم نیستند؛ با این حال، این موارد از ارزش و اهمیت این جنگ نمی‌کاهد. با توجه به توضیحی که در مقدمه این جنگ نوشته شده است، «گویا شاعر با صاحب تذکره مجالس‌التفائیس معاصر بوده است و برای تبیین مذهبی نامش را در تذکره خود نیاورده و همچنین اغلب شعرای این مجموعه را که معروف به تشیع بوده‌اند مذکور نساخته». (جنگ ۳۵۲۸، مقدمه)

در برگ ۲۲۵ جنگ شماره ۳۵۲۸ دانشگاه تهران قصیده‌ای از شاعری به نام نجم محتاج آمده است که تاریخ این ولایت‌نامه را به قرن هشتم می‌رساند. قصیده با این بیت شروع می‌شود:

ایا موالی پاک‌اعتقاد و ای دیندار ز روی لطف و کرم گوش جان به سوی من آر

این قصیده کاملاً ساختار ولایت‌نامه دارد و شاعر در ماده تاریخی زمان سرایش آن را چنین می‌گوید:

ز بعد هفصد و چل سال و پنج بر سر آن همی‌کنیم به پیغمبری او اقرار

این قصیده که در تاریخ ۷۴۵ سروده شده است، شاید قدیمی‌ترین ولایت‌نامه تاریخ‌دار شناخته‌شده در ادب فارسی باشد. گویا نجم محتاج سنتی در ولایت‌نامه‌سرایی نهاده که در ضمن قصیده خود تاریخ سرودن شعر را هم می‌آورد و شاعران این سنت را حفظ و در قصاید خود از آن استفاده کرده‌اند. در دیوان سلیمی و شاعران قرن نهم، ولایت‌نامه‌های تاریخ‌دار زیادی دیده می‌شود که در بررسی پیشینه این گونه ادبی بسیار حائز اهمیت است.

متأسفانه هیچ اطلاعی درباره نجم محتاج در تذکره‌ها نیامده است و شاید یکی از علل آن تفاوت مذهبی شاعران شیعی با تذکره‌نویسان باشد. باید گفت چون تاکنون یک نمونه قصیده از وی شناخته شده است، به این نتیجه می‌رسیم که این گونه ادبی در قرن نهم احتمالاً به دست سلیمی تونی احیا شده است، تا آنجا که میر تقی‌الدین کاشانی در تذکره خلاصه‌الشعار به تلاش‌های سلیمی تونی در اشاعه ولایت‌نامه اشاره کرده است، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. سلیمی و دیگر شاعران شیعی در قرن نهم این اسلوب را حفظ کرده و بر اساس روشی که نجم محتاج در سرودن این گونه قصیده وضع کرده است، به سرودن اشعار خود پرداخته‌اند.

با بررسی دیوان‌های چاپ‌شده از شاعران قرن نهم، گویا نخستین نمونه‌های کامل از ولایت‌نامه را در دیوان سلیمی تونی (وفات: ۸۵۴ ق) می‌توان مشاهده کرد. سلیمی قصیده‌ای دارد به این مطلع:

اول نامه به نام حضرت پروردگار جاعل ظلمات و نور و خالق لیل و نهار

(سلیمی تونی، ص ۱۱۰)

و آن را ولایت‌نامه خوانده است:

بعدِ حمدِ خالق و نعتِ نبیِ هاشمی      یک ولایت‌نامه دارم بس عجایب گوش دار  
(همان، ص ۱۱۱)

البته وی در پنج قصیده دیگر از اصطلاح ولایت‌نامه درباره سروده خود استفاده کرده است. در دیوان او حدود ۲۲ ولایت‌نامه هست که در نوع خود درخور توجه است، زیرا در میان دیوان‌های شاعران هم‌عصر وی این تعداد ولایت‌نامه وجود ندارد. پس از سلیمی، ولایت‌نامه در دیوان شاعرانی چون ابن حسام خوسفی، آذری اسفراینی و همچنین در جنگ‌های باقی مانده از قرن دهم به بعد قابل مشاهده است.

### ۳. ساختار ولایت‌نامه

#### ۳-۱. دو نوع قصیده ولایت‌نامه‌ای

ولایت‌نامه از نظر ساختاری، مانند قصیده‌های مدحی قرن چهارم و پنجم، دارای مقدمه یا تشبیب، مدح، شریطه و دعاست، اما تفاوت‌هایی با آن‌ها از نظر مفهومی و ساختاری دارد که وجه تمایز این قصیده از قصاید آن دوره است. ما ولایت‌نامه‌ها را به دو نوع «مقدمه‌دار» و «بی مقدمه» نام‌گذاری کرده‌ایم و به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

در ولایت‌نامه‌های مقدمه‌دار، مضامین گوناگونی در مقدمه قصیده جای گرفته است. مقدمه ولایت‌نامه‌ها از لحاظ تنوع موضوعی نیاز به بررسی دارد. در این بخش شاعران معمولاً دو موضوع قابل توجه را در مقدمه خود جای می‌دهند. در مقدمه ولایت‌نامه، نخست شاعر تحمیدیّه، شامل بیان اعتقادات کلامی مثل صفات ثبوتیه خداوند، از قبیل قدیم و ازلی بودن، عدل، قدرت، علم و... را مطرح می‌کند. این بخش از نظر مباحث کلامی شیعه تشخص خاصی ندارد و مطالب و محتوای آن کمابیش در بین فرق اسلامی مشترک است. به نمونه زیر توجه کنید:

چون گشاد جمله مشکل‌هاست بر نام خدا	برگشا اول به نام او زبان را برگشا
آن خداوند قدیم قادر اکبر که هست	اول بی ابتهدا و آخر بی انتها
آن حکیم عالم عادل که اندر هیچ حال	نیست شرّ و ظلم و نقصان و خلع بر وی روا
رازق کلّ خلائق مالک ملک و ملک	جاعل ظلمات و نور و خالق ارض و سما
کرد ایمان و امان ما را کرامت از کرم	تا به قدر خویشتن آریم حکم او به جا

(سلیمی تونی، ص ۴۱)

بخش دوم ولایت‌نامه‌های مقدمه‌دار حاوی مفاهیم خاص شیعی است که این گونه ادبی را از نظر فکری متمایز می‌کند. در ولایت‌نامه‌های بی مقدمه شاعر از ابتدا وارد بخش اصلی ولایت‌نامه



می‌شود. به این مقدمه از حمزه کوچک، شاعر شیعی قرن نهم، توجه کنید:

ولایت‌نامه‌ای دارم ز سِرِّ ساقیِ کوثر	ولیی حضرت یزدان امیرالمؤمنین حیدر
پناه قُدوه ایمان امامِ جتیی و انسان	شه مردان سرگردان و ابن عم پیغمبر
جهان علم و بدرِ جود، کوهِ جلم، میرِ دین	پناه و پشت و ایمان و ولی ایزد دادر
امامِ هادی مطلق از او دین یافته رونق	عطایش آمده از حق حُسام و دُلْدُل و قنبر
روایت می‌کند راوی و گفتا من شنوده‌ستم	ز من بشنو که هر بیتش بُود بهتر ز گنج زر

(جنگ شماره ۶۰۵۹ مجلس، برگ ۳۰۷)

در این گونه ولایت‌نامه، شاعر از بیت نخست وارد موضوع اصلی قصیده، که نقل داستان است، می‌شود و در مواقعی شاعران، مانند نمونه فوق، در ابیات اولیه قصیده به وصف و منقبت حضرت علی<sup>ع</sup> می‌پردازند و پس از آن داستان‌پردازی می‌کنند. شمار ولایت‌نامه‌های بی مقدمه کمتر از ولایت‌نامه‌های مقدمه‌دار است.

### ۲-۳. داستان، بدنه اصلی قصیده

در این بخش، شاعر به بدنه اصلی قصیده وارد می‌شود و به نقل داستانی که حاوی فضایل امامان<sup>ع</sup> است می‌پردازد. امامان شیعه<sup>ع</sup> شخصیت‌های اصلی این داستان‌ها هستند. محور اصلی داستان‌ها در ولایت‌نامه‌ها شخصیت علی<sup>ع</sup> به‌عنوان مهم‌ترین فرد و امام اول در مذهب تشیع است. بیشتر این داستان‌ها در کتاب‌هایی که در باب مناقب امامان<sup>ع</sup>، از جمله امام علی<sup>ع</sup>، نوشته شده قابل ردیابی است. کتاب‌هایی چون مناقب الأمام علی بن ابی طالب علیه‌السلام ابن مغزالی (وفات: ۴۸۳ ق)، نُزهة الکرام و بستان العوام محمّد بن حسین رازی (قرن ۶ و ۷)، ینابیع الموده... از این منابع به‌شمارند. با این همه، می‌توان منبع بیشتر ولایت‌نامه‌ها را روایات شفاهی پیروان و باورمندان مذهب تشیع دانست. این روایات شفاهی را می‌توان در شمار فرهنگ عامّه (فرهنگ عامّه یک گروه اعتقادی) قلمداد کرد.

این داستان‌ها، که از نوع مناقب به حساب می‌آیند، دارای ویژگی‌هایی همچون مضامین سیاسی، کلامی و همچنین باورهای مذهبی شاعرانند. آنچه بخش داستانی را از دیگر بخش‌های ولایت‌نامه جدا می‌کند بیان اندیشه‌های سیاسی تشیع در میان بیت‌های این گونه ادبی است که به آن خواهیم پرداخت.

### ۱-۲-۳. بیت ورود به داستان

در قصیده‌های مقدمه‌دار شیعی، شاعر پس از مقدمه قصیده که حاوی حمد و ستایش خداوند و

نعت رسول<sup>ص</sup> و منقبت حضرت علی<sup>ع</sup> است، با آوردن یک یا دو بیت، که معادل بیت تخلص در قصیده فارسی است، به بدنه اصلی قصیده، که بخش اصلی ولایت‌نامه است، وارد می‌شود. این بیت وجه ممیزه ولایت‌نامه از دیگر قصاید منقبتی است، زیرا در این گونه ادبی، هدف ستایش و منقبت حضرت علی<sup>ع</sup> و دیگر ائمه نیست، بلکه شاعر روایتی داستانی را در تأیید ولایت حضرت علی<sup>ع</sup> نقل می‌کند. شاعران برای استفاده از این بیت مقاصدی را مدنظر دارند. یکی از این مقاصد توسل به مرجعیت<sup>۱</sup> است؛ با این توضیح که شاعران روایات را از اشخاص و راویان «معتبر» و کتب حدیث موثق نقل می‌کنند تا به محتوای سخن خود در گفتمان تشیع اعتبار بیشتری ببخشند. بعدتر به ماهیت تاریخی بعضی از این راویان خواهیم پرداخت. در این بیت، علاوه بر ذکر مورد اول، شاعر هدف از سرودن این روایت را جلب نظر مخاطب بیان می‌کند و صفت‌هایی برای ولایت‌نامه می‌آورد، بدین قرار: حلال مشکلات، بیان معجزات و عجایب‌ها، فضل و برتری علی<sup>ع</sup>، در تأیید مداحان اهل بیت، علم امام، آگاهی بر سیر ولایت و... .

افعال استفاده‌شده در بیت ورود به روایت وجه امری دارد. این افعال از منظر علم معانی با اغراض ثانویه‌ای مانند ارشاد و ترغیب و تشویق مخاطب برای شنیدن ذکر ولایت حضرت علی<sup>ع</sup> و دیگر ائمه به کار گرفته شده‌اند. فعل «شنیدن» در این بیت بسامد بیشتری در مقایسه با افعال دیگر دارد و گاه برای تأکید بیشتر با قیدهایی به کار می‌رود. این افعال عبارت‌اند از «بشنو»، «گوش کن»، «بیا و گوش کن»، «قصه‌ای بشنو»، «به گوش جان بشنو»، «مستمع باش»، «فهم کن و گوش دار» و... . اصرار بر شنیدن و گوش دادن به ذکر ولایت از سوی شاعران در دوره‌ای صورت می‌گیرد که گفتمان شیعی در آستانه طرح و معرفی خویش است.

شاعران معمولاً برای وارد شدن به نقل داستان از یک یا دو بیت استفاده می‌کنند که ما آن را «بیت ورود به داستان» نامیدیم. این دو بیت، چنان‌که گفته شد، چگونگی نقل داستان از زبان شاعر را به مخاطب نشان می‌دهند تا به داستان خود اعتبار ببخشند و مخاطبان را از نظر صحت نقل داستان اقناع کند. شاعران شیوه‌های گوناگونی برای ورود به بحث انتخاب می‌کنند.

### ۳-۳. راوی داستان و مقام وی

در برخی از ولایت‌نامه‌ها شاعران نام راوی داستان را ذکر می‌کنند. آن‌ها معمولاً از راویانی نقل داستان می‌کنند که در تاریخ اسلام و تشیع دارای جایگاه و مورد قبول و وثوق علما باشند. با انتخاب این شخصیت‌ها، شاعر به داستان خود اعتبار دوچندان می‌بخشد. به این نمونه از

1. appeal to authority

سلیمی تونی بنگرید:

راویان از حضرت صادق روایت می‌کنند آن امین صادق‌القول آن امام باکمال

(سلیمی تونی، ص ۱۸۱)

شخصیت امام صادق<sup>ع</sup>، به‌عنوان مؤسس مذهب شیعه، برای مخاطب این گونه ادبی بسیار معتبر است؛ پس این روایت نمی‌تواند دروغ یا بی‌اساس باشد. این امر میزان تأثیرپذیری و اقتناع مخاطب را چند برابر می‌کند. این نکته را نباید نادیده گرفت که شاعر برای راوی از صفاتی مانند «امین صادق‌القول» و «امام باکمال» استفاده می‌کند تا صحت روایت را بیش از پیش تأکید کند. همچنین در کنار آن، اعتقاد خود را به امامت آن حضرت نشان می‌دهد.

در نوع دیگر، شاعران منبع و سند مشخصی برای نقل داستان‌های خود ندارند و به گونه‌های متفاوت داستان خود را می‌سرایند. شاعران بیشتر ولایت‌نامه‌های خود را بر اساس آنچه شنیده یا خوانده‌اند روایت می‌کنند؛ مانند قصیده سلیمی تونی که چنین آغاز می‌شود:

روایت می‌کند راوی اخبار که روزی مصطفی با جمع یاران

(سلیمی تونی، ص ۲۳۹)

گونه دیگر نقل داستان این است که شاعر در مکانی این ذکر ولایت را از فردی که صفتی نیک، مثل پاک‌اعتقاد یا صفاتی از این دست، دارد می‌شنود و پس از آن به سرودن ولایت‌نامه می‌پردازد. این شیوه در دیوان سلیمی تکرار شده است. برای نمونه، سلیمی در سال ۸۴۶، که از زیارت «روضه شاه نجف» باز می‌گشته، این روایت را از مردی بغدادی، که مؤمنی پاک‌اعتقاد بوده است، می‌شنود:

در زمانی کز طواف روضه شاه نجف گشته بودم باز با جمعی رفیقان مهربان  
هشصد و چل بود و شش از هجرت شاه زُسل کآن سعادت یافتم از عون حیّ مُستعان  
بود از بغداد مردی مؤمن پاک‌اعتقاد کرد از قول امینان این سخن با من بیان

(سلیمی تونی، ص ۲۲۴)

یا در نمونه‌ای دیگر، در سال ۸۴۶، در راه بازگشت از نجف، در شهر بغداد فرد «مؤمنی بس پاک‌دین و پارسا» روایتی را نزد سلیمی می‌آورد و او، پس از شنیدن از راوی، آن روایت را به نظم می‌کشد و گویا آن فرد از شاعر بودن سلیمی و مهارتش در سرودن ولایت‌نامه‌های شیعی مطلع بوده است.

### ۳-۴. شگردهای ادبی در ولایت‌نامه

شاعران ولایت‌نامه‌ها، چون در پی بیان عقیده و مذهب خود برای جلب نظر مخاطب بوده‌اند،

تأکیدشان بر بیان داستان بیشتر است و استفاده آنان از صنایع بلاغی، آن‌چنان‌که در قصاید شاعران قصیده‌سرای قرون گذشته بوده است، کمتر به چشم می‌خورد. شاعران در ولایت‌نامه بیشتر از صنایعی استفاده می‌کنند که به مقصود اصلی آنان کمک کند و آنان را در پیشبرد هدفشان یاری رساند. هرچند این صناعات خاص نیستند، اما در کنار محتوا و ساختار خاص ولایت‌نامه می‌توانند از عوامل شکل‌دهنده این گونه ادبی محسوب شوند. ما در ادامه به دو نمونه، که برجستگی و اهمیت بیشتری دارند، اشاره می‌کنیم.

### ۳-۴-۱. لقب‌دهی به شخصیت‌ها

شاعران در فرایند برجسته‌سازی شخصیت امام علی<sup>ع</sup> و دیگر ائمه از القاب و صفت‌های بسیار متفاوتی استفاده کرده‌اند. این القاب و صفت‌ها، که بیشتر حامل معانی سیاسی‌اند، به‌عنوان وقته‌هایی بر حول دال مرکزی مفصل‌بندی شده‌اند<sup>(۱)</sup>. در ولایت‌نامه‌ها این القاب بر مدار شخصیت حضرت علی<sup>ع</sup> تمرکز یافته و شاعران شیعی از القابی استفاده می‌کنند که هم نمایانگر برجستگی شخصیت آن حضرت و جایگاه سیاسی ایشان به‌عنوان امام و پیشوای مسلمین است و هم با اندیشه سیاسی شیعه در یک راستا قرار دارد. بنابراین، القاب به‌کاررفته برای حضرت علی<sup>ع</sup> را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد، نخست القابی که غالباً بار سیاسی دارند و دیگر القابی که بیشتر حامل بار عقیدتی‌اند.

القاب گروه نخست عبارت‌اند از سلطان دین، شاه ولایت، شاه مردان، پادشاه مُلک ولایت، شاه اولیا، شاه نجف، شهزاده، شاه، پادشا، امیرالمؤمنین، میر دین، شهنسوار و غیره. استفاده از چنین القابی در ولایت‌نامه‌ها بسیار چشمگیر است. علت این کاربردها را می‌توان ریشه‌ای‌تر مطرح کرد. واژه «شاه» و «سلطان»، علاوه بر معنای سیاسی، در بردارنده اندیشه سیاسی ایران باستان نیز هست. القابی که حامل بار عقیدتی‌اند عبارت‌اند از، ساقی کوثر، قسیم جنت و نار، وصی مصطفی، شافع محشر، ولی حق، رهنمای دین، مقتدای امت و غیره. این القاب، که از گفتمان دین اسلام‌اند، با عقاید کلامی تشیع کاملاً مطابقت دارند و شاعران حول این القاب داد سخن در حق امام اول خود داده‌اند.

### ۳-۴-۲. مبالغه و اغراق، تلمیح

اغراق و بزرگ‌نمایی از شگردهای اصلی شاعران در برجسته‌سازی شخصیت حضرت علی<sup>ع</sup> است. این اغراق‌ها، که بیشتر در بردارنده مفاهیم اعتقادی‌اند، شخصیت آن حضرت را در برابر دیگر

صحابه با مرتبه‌ای دست‌نیافتی به تصویر می‌کشند. به نمونه زیر بنگرید:

همه چون ذره‌اند و تو چو خورشید  
همه چون قطره‌اند و تو چو عمان  
همه عالم به قدر دانش‌توست  
چو ذره پیش خورشید درخشان

(سلیمی تونی، ص ۲۴۱)

تلمیح از دیگر شگردهایی است که شاعران در ولایت‌نامه‌های خود به کار برده‌اند. تلمیح در قصاید منقبتی بیشتر دیده می‌شود، اما شاعران در مقدمه ولایت‌نامه‌ها گاهی به داستان‌هایی نیز اشاره کرده‌اند؛ تلمیحاتی مانند معراج پیامبر ص و آگاهی حضرت علی ؑ به واقعه معراج، جنگ‌های ایشان با کفار، قضاوت‌ها، مصادیق عدالت‌ورزی ایشان و دیگر موارد:

وصی مصطفی کاندرب شب معراج چون او کس  
نبود آگاه از اسرار «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَأ»

(سلیمی تونی، ص ۱۰)

خاصه بر نفس رسول‌الله امیرالمؤمنین  
کاو به معجز قرض شاه انبیا را کرد ادا

(همان، ص ۳۲)

آن شیردل که در گه هیجا به پردلی  
از عمُوران گرفت و ز عنتر ربود سر

(جنگ خزائن القصیده، ص ۱۴۶)

یکی از کارکردهای مفید تلمیح در «قصاید جامع‌الولایات» است. این قصاید، همان‌طور که از نامشان پیداست، حاوی مجموعه‌ای از ولایت‌های امام‌اند که هر بیت آن به داستان و ولایتی از امام اشاره دارد. علاوه بر این موارد، استفاده مکرر شاعران از آیات و روایات درخور توجه است. شاعران با اشاره به آیاتی مانند آیه تبلیغ، آیه مَبَاهِلَه، آیه تطهیر، آیه ولایت، آیه لیلۃ‌المبیت و آیات سوره دهر و همچنین احادیث گوناگون، از آن‌ها در جهت نشان دادن برجستگی امام علی ؑ استفاده کرده‌اند که شرح هر یک از این موارد مجال دیگری می‌طلبد.

#### ۴. مفهوم ولایت شیعی در قصاید ولایی

شاعران در قصاید خود معنای دیگری را از ولایت در نظر گرفته‌اند که با مفهوم مشهور آن در نظریه سیاسی شیعی در یک راستا قرار دارد. این معنا از ولایت از ملازمات مسئله امامت است که با مفهوم «کرامت» برابر می‌شود. «ولایت» در قصاید موردنظر ما کاملاً با معنای کرامت برابری می‌کند، زیرا شاعران در تلاش برای اثبات قدرت فوق بشری امام‌اند تا از این رهگذر عنوان خلافت را کنار نهند و مفهوم «امامت» را، که موردتوجه شیعه است، برجسته سازند.

#### ۴-۱. ولایت در تشیع

یکی از کلیدی‌ترین مباحث گفتمان شیعی مسئله ولایت است. این واژه، از این جهت که در آیه ۵۵ سوره مائده به مسئله ولایت و جانشینی حضرت علی<sup>ع</sup> تصریح کرده است، مورد توجه شیعیان قرار دارد:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾  
سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند، همان‌ها که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

این آیه، که به آیه ولایت مشهور است، طبق اعتقاد شیعه و شواهدی که در آیه منعکس شده است، جانشینی بلافصل حضرت علی<sup>ع</sup> را مطرح می‌کند. البته این تفسیر شیعی محل نزاع علمای اهل سنت نیز هست. این اختلاف بر سر ترجمه کلمه «ولی» و معانی مختلف آن مطرح شده است. در اینجا به معنی لغوی «ولی» می‌پردازیم.

راغب اصفهانی در مفردات واژه «ولی» را این‌گونه تفسیر کرده است:

ولا و تولا یعنی دوستی و صمیمیت که دو معنی از آن‌ها حاصل می‌شود و افزون می‌گردد تا جایی که میان آن معانی چیزی که از آن‌ها نباشد نیست و این معنی یعنی دوستی برای نزدیکی مکانی، نسبی، دینی، بخشش و یاری کردن و اعتقاد و ایمان به کار می‌رود. ولایت به کسر «و» یاری کردن است، اما ولایت به فتح «و» سرپرستی است و نیز گفته‌اند هر دو واژه حقیقتش همان سرپرستی است که همانا بر عهده گرفتن کاری است. (راغب اصفهانی، ص ۵۳۳)

این واژه در آیات دیگر قرآن به معنی سرپرست و صاحب‌اختیار نیز به کار رفته است<sup>(۱)</sup>. از نظر اسلام، دو نوع «ولاء» وجود دارد: منفی و مثبت؛ یعنی از طرفی مسلمانان مأموریت دارند که نوعی ولاء را نپذیرند و ترک کنند و از طرف دیگر دعوت شده‌اند که ولاء دیگری را دارا باشند و بدان اهتمام ورزند. ولاء اثباتی اسلامی نیز به‌نوبه خود بر دو قسم است: ولاء عام و ولاء خاص. ولاء خاص نیز اقسامی دارد: ولاء محبت، ولاء امامت، ولاء زعامت، ولاء تصرف یا ولایت تکوینی (مطهری، ص ۱۶ و ۱۷). هرکدام از انواع ولایت، که نام بردیم، در ولایت‌نامه‌ها نمود دارند که توضیح هر یک باعث اطاله کلام و دور شدن از هدف اصلی این مقاله می‌شود.

#### ۴-۲. نسبت ولایت شیعی با ولایت در تصوف

مفهوم ولایت احتمالاً از تشیع وارد تصوف شده است و گویا نخستین کسی که مسئله ولایت را در تصوف مطرح کرد، حکیم ترمذی، عارف و حکیم سده سوم هجری، بود<sup>(۲)</sup>. سپس این مفهوم وارد گفتمان تصوف می‌شود و در تفکر ابن عربی مجال بیشتری می‌یابد.

نکته‌ای که لازم می‌دانیم در همین جا به آن توجه دهیم این است که «ولّی» در نظر عرفاً صرفاً یک قدّیس، یعنی انسانی آزاده و پاک و دارای ملکات عالی اخلاقی، نیست، بلکه مسئله ولایت در نظر آنان با مسئله خلافت گره خورده است. به‌طور کلی، خداوند آدم را آفرید تا خلیفه او روی زمین باشد. معنی خلافت یا جانشینی آدم از خداوند این است که تدبیر امور عالم به او سپرده شود و او به‌نیابت از آفریدگار در جهان تصرف کند و کار زندگی را سامان بخشد (ابن عربی، ص ۷۵). این یک تئوری قدرت و حکومت است که به‌موجب آن هرکس در این دنیا گوشه‌ای از کار را گرفته و در محدوده آن به‌نیابت از خداوند عمل می‌کند. مالکیت و حاکمیت یا پادشاهی مطلق (ملکوت) آسمان‌ها و زمین در دست اوست و انسان‌ها روی زمین به جانشینی او اِعمال قدرت می‌کنند و انسان کامل طبعاً اَحَقّ و اولی از دیگران است. (همان، ص ۷۶)

ابونصر عبدالوهاب بن تقی الدّین سُبکی، در کتاب طبقات الشّافعیة الکبری، تقسیم‌بندی مفیدی از کرامات انجام داده و کرامات را به بیست و پنج نوع تقسیم کرده است (نک: آزادیان، ص ۶۳-۷۲). مواردی از این کرامات، که سُبکی آن‌ها را تقسیم‌بندی کرده است، در ولایت‌نامه‌ها نمود دارد، مانند احیاء موتی، طی الارض، صحبت کردن با جماد و حیوان و...

اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا بیشتر ولایت‌نامه‌ها درباره ولایت‌های حضرت علی<sup>ع</sup> سروده می‌شده است؟ در جواب این سؤال دلایل متعددی از عقاید تشیع می‌توان بیان کرد. یکی از دلایل انواع کرامت‌های امام علی<sup>ع</sup> در موقعیت‌های مختلف است؛ همچنین، دلایل دیگری مانند اینکه علی<sup>ع</sup> اولین فردی بود که اسلام آورد و... که در ولایت‌نامه‌ها آمده است. نکته قابل ذکر دیگر آن است که گفتمان‌ها در تقابل و ضدیت با یکدیگر شکل می‌گیرند. در ولایت‌نامه‌ها مفهوم غیریت‌سازی برابر است با دشمنان امامت حضرت علی<sup>ع</sup>. این دشمنی در متن روایی بسیار نامحسوس است و شاعران به شخص یا حکومت خاصی اشاره نمی‌کنند، زیرا در قرن نهم شیعه از فشارهای گذشته خارج شده بود و مردم آزادانه به امور عقیدتی خود می‌پرداختند. البته شاعران خیلی ساکت نمی‌نشستند و با ناسزاگویی گفتمان رقیب را مرزبندی می‌کردند. این نمونه را بنگرید:

تو مشرک‌زاده می‌دانی نبینی خویش را اکنون      همی‌گویم مسلمانم نه اسلام است این، حاشا  
(سلیمی تونی، ص ۱۶)

مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» همراه است (کسرابی و پوزش شیرازی، ص ۳۴۸). بنابراین، از منظر تحلیل گفتمان، ولایت‌نامه‌ها از دو مقوله «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» کمک می‌گیرند. در توضیح «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی»، می‌توان گفت که شاعران، با برجسته کردن دال‌های خود، دال‌های گفتمان رقیب را به حاشیه می‌رانند. به‌عبارت دیگر، دال‌های

موردنظر خود و نظام معانی و دال‌های گفتمان رقیب را به حاشیه می‌رانند یا نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب را برجسته می‌کنند. (نک: همان، ص ۳۴۸)

## ۵. نقش ولایت‌نامه در ترویج عقاید شیعی

### ۱-۵. ولایت‌نامه به مثابه خطابه اعتقادی

با توضیحاتی که درباره ولایت‌نامه بیان شد، به گمان ما ولایت‌نامه را می‌توان خطابه‌ای مذهبی قلمداد کرد. با توجه به بررسی ساختار این گونه ادبی و شیوه کاربرد آن در شعر برخی شاعران، ولایت‌نامه‌ها به نوعی کارکردی خطابی دارند و شاعران برای بیان مقاصد از این گونه ادبی استفاده می‌کرده‌اند.

در ولایت‌نامه سخن یک‌طرفه است و گوینده، که در مقام دانای کل قرار دارد، مانند خطیبی بر بالای منبر به ایراد خطابه خود مشغول است. شاعر از بیان هر بیت قصدی را دنبال می‌کند و آن اثبات عقیده خود برای مخاطب است. به عبارت دیگر، خطابه به منظور تغییر عقیده مخاطبان گفته می‌شود. ارسطو در فن خطابه می‌گوید: «درحقیقت گفتار سه جزو اساسی دارد؛ آنکه سخن می‌گوید [۱۳۵۸ ب ۱]، آنچه از آن سخن گفته می‌شود، آنکه با او سخن گفته می‌شود؛ و غایت [گفتار] مربوط به این جزو اخیر است؛ مقصودم شنونده است» (ارسطو، ص ۴۳). پس نتیجه می‌گیریم تمام روی سخن خطابه با شنونده است. در اینجا شاعران، برای اقناع مخاطبان، دست به شگردهایی می‌زنند. آنان در خطابه خود برتری‌های مقصودشان را بیان می‌کنند. «در خطابه رسمی، سخن یا از ستایش است یا از نکوهش» (همان، ص ۴۴). شاعران در ولایت‌نامه‌های خود به ستایش فرد موردنظر یا عقیده خود می‌پردازند.

ارسطو وسایل اقناعی در خطابه را به سه دسته تقسیم می‌کند که این سه مورد در ولایت‌نامه‌ها دیده می‌شوند:

بعضی از آن‌ها از خصیصه اخلاقی کسی که سخن می‌گوید حاصل می‌شود، بعضی دیگر با برانگیختن حالت روحی معینی در شنونده و بعضی دیگر از خود گفتار به دست می‌آید، از این جهت که مطلبی را اثبات می‌کند یا می‌نماید که اثبات می‌کند. (ارسطو، ص ۳۲)

منظور از اقناع به وسیله خصیصه اخلاقی<sup>(۴)</sup> این است که سخن‌گو باید به گونه‌ای عمل کند که سخن وی برای مخاطب مورد قبول و اعتماد باشد، زیرا صحت و سقم گفتار برای مخاطب اهمیت بسیار دارد. شاعران در ولایت‌نامه‌های خود، در بخشی که روایت را از فردی معتبر و ثقه نقل می‌کنند، از این روش استفاده کرده‌اند؛ مثلاً روایتی از امام صادق<sup>ع</sup>، سلمان فارسی، جابر بن عبدالله انصاری و غیره می‌آورند. این کار باعث می‌شود شنونده به سخن شاعر اعتماد کند و



در نتیجه تأثیرپذیری سخن بیشتر می‌شود.

ابن‌الرفای کوفی گوید به مکه روزی در پیش کعبه دیدم جمعی عظیم محضر

(ابن‌حسام خوسفی، ص ۱۸۱)

در مورد دوم «اقناع در شنوندگان هنگامی حاصل می‌شود که آن‌ها از طریق گفتار به احساس نوعی انفعال نفسانی برانگیخته شوند» (همان، ص ۳۲). شاعران در ولایت‌نامه‌های خود در پی برانگیختن احساسات درونی شنوندگان به قصد تغییر در نگرش و عقاید مخاطبان خود هستند و این کار را با بیان ولایت‌هایی از امامان<sup>ع</sup> انجام می‌دهند. شاعران، با ذکر فضیلت‌های اخلاقی و قضاوت‌های عادلانه<sup>ع</sup>، موجب برانگیختگی احساسات مخاطبان می‌شوند و این امر باعث بالاتر رفتن مقام و منزلت امامان شیعه در نظر آنان نسبت به دیگر صحابه می‌شود.

«و اما حصول اقناع از طریق [خود] گفتار هنگامی صورت می‌پذیرد که ما به یاری وسایل اقناع موجود در هر موردی حقیقت یا شبه‌حقیقتی را نشان می‌دهیم» (همان، ص ۳۲). این بخش مربوط به بدنه اصلی ولایت‌نامه، یعنی نقل روایت، است. شاعران از هر وسیله اقناعی، مانند اشاره به سخن بزرگان، قرآن، حدیث و غیره استفاده می‌کنند. در واقع، قصه نقش بسزایی در خطابه شاعران شیعی دارد. آنان اعتبار شخصی و اجتماعی امامان را با بیان قصه در ذهن مخاطب به تصویر می‌کشند. به عبارت دیگر، شاعران، برای درک بهتر شنوندگان و تأثیر بیشتر بر آنان، این فضایل را عینی می‌کنند. علت استفاده از قصه ارزش روایی آن است که نظر شنوندگان را به خود جلب می‌کند. به پشتوانه قصه، شگفتی‌آفرینی در مخاطب صورت می‌گیرد و مخاطب به باور می‌رسد. در نهایت، خطابه با باورمند ساختن مخاطب به پایان می‌رسد. نتیجه اینکه ولایت‌نامه نقش خطابه‌ای دارد و به همین دلیل، شاعران قالب قصیده را برای سرودن آن بر می‌گزینند.

## ۲-۵. باورپذیری کردارهای خیالی و فراواقعی

شاعران شیعی در ولایت‌نامه جهانی می‌سازند که در آن امور و وقایع عمدتاً فراواقعی است. این جهان که رویدادها و اعمال خارق‌عادت در آن رخ می‌دهد، با مسئله کرامت و معجزه مرتبط است. کرامت‌کرداری فراواقعی است. جاذبه داستان‌ها و شگفتی‌آفرینی آن‌ها بر ذهن مخاطب تأثیر می‌گذارد و باور او را درباره نظام اعتقادات مدّ نظر شاعر شکل می‌دهد. این شکل از باور شبیه چیزی است که آلتوسر درباره خیالی شدن ایدئولوژی گفته است: «ایدئولوژی نمایشی است از رابطه تخیلی افراد با شرایط واقعی هستی‌آنان». (لارین، ص ۲۰۴)

جهانی که شاعران در این قصاید به تصویر می‌کشند، جهانی ماورایی با کردارهای فراواقعی است. برای نمونه، سلیمی تونی، در ولایت‌نامه‌ای که از قول سلمان روایت می‌کند، از حضرت

علی<sup>ع</sup> می‌خواهد تا «ناقه صالح» را به او نشان دهد. علاوه بر آن، سلمان چندین کرامت دیگر از امام می‌خواهد و آن حضرت به وی نشان می‌دهد. عناصر فراطبیعی این ولایت‌نامه، مانند بیرون آمدن شتری از سنگ که طولش صدوبیست گز و عرضش شصت گز بود و چشمانی چون گوهر داشت، در خور توجه است:

من نَعَمَ کفتم به سنگی کرد اشارت بس عظیم      گفت ای خصبا به امر حق از این صخره برآ  
ناقه دیگر برآمد طول او صد بیست گز      شصت گز عرض وی و چشمش چو جوهر در جلا  
(سلیمی تونی، ص ۵۸)

از دیگر عناصر فراواقعی گفتمان، مسخ شدن دشمنان حضرت علی<sup>ع</sup> است که نمونه‌هایی از آن در دیوان سلیمی تونی آمده است. (نک: سلیمی تونی، ص ۱۰۵ و ۱۰۱)

از دیگر عناصر فراواقعیت در ولایت‌نامه‌ها، حضور موجودات فراواقعی است. در جُنگ شماره ۳۵۲۸ دانشگاه تهران، برگ ۲۵۵، ولایت‌نامه‌ای از ناطقی شیرازی آمده است که داستان دیوی به نام «برق‌دیو» را بیان می‌کند. این دیو به نزد حضرت محمد<sup>ص</sup> می‌آید و آن حضرت از عمر آن دیو می‌پرسند و دیو در پاسخ می‌گوید که از حدود دویست و چهل هزار سال قبل از حضرت آدم<sup>ع</sup> زندگی می‌کرده است:

پیمبر دید آن عفریت را دست از قفا بسته      بگفت ای دیو بیچاره بیان کن قصه نزد ما  
که عمرت چند هزاران سال و نامت چیست در عالم      دگر این بند بر دست که بنهادهست ای رسوا  
زبان بگشاد دیو و گفت ای پیغمبر یزدان      کنون بشنو ز احوالم که تا واقف شوی از ما  
دویست و چهل هزاران سال پیش از آدمم زنده      در این عالم فرستادهست برق دیو نامم را  
(جُنگ ۳۵۲۸، برگ ۲۵۵)

سپس دیو داستان در بند شدنش را نقل می‌کند، بدین مضمون که در خواب بوده و در خواب می‌بیند که بندی بر پای دارد و ناگهان از خواب برمی‌خیزد و سر و بالایی را می‌بیند. دیو قصد جاننش را می‌کند تا به او آسیب برساند، اما آن شخص دست دیو را از پشت می‌بندد. دیو بعد، برای رهایی از بند، به نزد تک‌تک پیامبران می‌رود و تمام آنان از باز کردن آن گره عاجزند، تا زمان به پیامبری حضرت سلیمان می‌رسد. آن حضرت به برق‌دیو می‌گوید:

سلیمان خواند آن گاهی بر خویشم که بگشاید      ز دستم بند برهاند شوم آزاد و پابرجا  
نظاره کرد بر بندم بگفت این بند نگشاید      به جز آن کس که بر بسته‌ست همان خواهد گشود این را  
به صد زاری بدو گفتم که ای سلطان جن و انس      ز حکمت سر نییچانند ز جابلقا و جابلسا

بیان کن تا شوم واقف که این بندم بیست اکنون  
سلیمان گفت برقی دیو سِرّ ایزد است آن‌کس  
که نتوانید بگشادن چنین بندِ گران از ما  
که دست بست بگشاید علیّ عالی اعلا  
شوی آزاد آن گاهی رهی از محنتِ دنیا  
به دور احمدِ مُرسل از این بند و از این زحمت

(جنگ ۳۵۲۸، برگ ۲۵۷)

جنبه ماورایی این داستان زمانی بیشتر می‌شود که حضرت علیّ<sup>ع</sup> برای باز کردن گره دستِ برقی دیو می‌آید و این در حالی است که چهار سال و نیم بیشتر ندارد:

علی دستِ مبارک را نهادش آن زمان بر بند  
به نزد مصطفا آن دیو ایمان تازه کرد و رفت  
گست آن بند از دستش زهی عالی زهی اعلا  
آلا تا شک نیاری تو عجب نبوّد از او این‌ها  
که منافق باشد و بددین و ابله باشد و احمق  
که انکار آورد در حقّ شیرِ ایزد دانا  
محمد با علی هر دو ز نور پاک یزدان‌اند  
نبوّت بود احمد را ولایت بود حیدر را  
که سنّ چار سال و نیم بوده‌ست مرتضی آن دم  
که نبوّد این ولایت را و نظمی شد کنون غرّا  
(جنگ ۳۵۲۸، برگ ۲۵۷)

داستان‌هایی مانند کشتن اژدها به دست آن حضرت در گهواره، داستان دشت ارژن و نبرد با جِنیان در غزوهٔ بئرِ عَلم از دیگر نمونه‌های خیالی شدن گفتمان شیعی در این قرن است.

## ۶. نتیجه‌گیری

شاعران شیعی در جهت ترویج عقاید مذهبی خود از گونه‌های ادبی متنوعی چون معجزنامه، نسب‌نامه، وفات‌نامه، قربان‌نامه و ولایت‌نامه استفاده کرده‌اند. این گونه‌ها، که خاصّ ادب شیعی در قرن نهم است، در گذشته دارای سابقه نبوده و حاوی مضامین شیعی فراوان است. آنچه در این گونه‌های ادبی درخور توجه است جنبهٔ روایی آن‌هاست.

در این قرن، با شکل تازه‌ای از قصیده روبه‌رو می‌شویم که در تاریخ قصیده‌سرایی فارسی بی‌سابقه است. این گونهٔ ادبی، که نمونه‌های نخستین آن در قرن هشتم دیده شده است، با عنوان ولایت‌نامه در قرن نهم شهرت بیشتری می‌یابد. ولایت‌نامه گونهٔ ادبی خاصّ شیعی است که نام خاص و محتوای مشخص واحدی دارد. شاعران برای اثبات حقانیت و جانشینی امام علیّ<sup>ع</sup> بعد از پیامبر ص، با بیان داستان‌ها و کرامات امامان، مخصوصاً حضرت علیّ<sup>ع</sup>، بر این مسئله تأکید می‌کنند.

ما در قرن نهم بیش از شصت نمونه ولایت‌نامه یافته‌ایم. بیشترین نمونه‌های ولایت‌نامه در دیوان سلیمی تونی (وفات: ۸۵۴ ق) دیده می‌شود. سلیمی تونی در ترویج ولایت‌نامه بسیار کوشیده و آن را

از نظر ساختار و شکل به کمال رسانده است. بیشتر ولایت‌نامه‌ها با موضوع علم امام علی<sup>ع</sup> منظوم شده‌اند. حوزه جغرافیایی این پژوهش بیشتر منطقه خراسان است، هرچند که پراکندگی جغرافیایی شاعران در این دوره درخور بررسی است. جنبه خطابی ولایت‌نامه‌ها درخور یادآوری است. ما ولایت‌نامه‌ها را با ذکر شواهد به‌عنوان خطابه‌ای عقیدتی بررسی و آن را به مثابه گونه خاص شیعی در قرن نهم معرفی کردیم. خطابی بودن ولایت‌نامه‌ها در ترویج عقاید مذهبی و تأثیرگذاری بر مخاطبان از منظر گفتمان‌سازی شیعی در قرن نهم بسیار حائز اهمیت است.

#### پی‌نوشت‌ها

- (۱) دال‌هایی را که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند «وقته» می‌گویند. (نک: کسرابی و پوزش شیرازی، فصلنامه سیاست، پاییز ۱۳۸۸، س ۳۹، ش ۳، ص ۳۳۹-۳۶۰)
- (۲) آیه ۲۸ سوره شوری، آیه ۳۳ سوره اسراء، آیه ۲۸۲ سوره بقره، آیه ۳۴ سوره انفال، آیه ۵ سوره مریم. (مکارم شیرازی، ص ۷۹)
- (۳) هُجُورِی در کشف‌المحجوب می‌گوید: «وی یکی از ائمه وقت بود اندر جمله علوم ظاهری و باطنی. وی را تصانیف و نکت بسیار است و قاعده سخن و طریقتش بر ولایت بود» (هُجُورِی، ص ۳۱۶). وی همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «بدان که قاعده و اساس طریقت تصوف و معرفت جمله بر ولایت و اثبات آن است که جمله مشایخ، رَضَى اللّهُ عَنْهُمْ، اندر حکم اثبات آن موافق‌اند، اما هر کسی به عبارتی دیگرگون بیان آن ظاهر کرده‌اند و محمد بن علی، رَضَى اللّهُ عَنْهُ، مخصوص است به اطلاق این عبارت مر حقیقت طریقت را». (همان، ص ۳۱۷)
- (۴) منظور از خصیصه اخلاقی همان اعتبار شخصی سخنور یا اتوس (ethos) است.

#### منابع

- آزادیان، شهرام، «دو تقسیم‌بندی قدیم از کرامات صوفیه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۷۹، پاییز ۱۳۸۵، ص ۶۳-۷۲.
- ابن‌حسام خوسفی، دیوان، به کوشش احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان، مشهد ۱۳۶۶.
- ابن‌عربی، فُصُوصُ الحِکْم، درآمد، برگردان متن، توضیح و تحلیل محمدعلی موحد و صمد موحد، کارنامه، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۹.
- ارسطو، خطابه، ترجمه اسماعیل سعادت، هرمس، چاپ اول، تهران ۱۳۹۲.
- بزرگ بیگدلی، سعید و اکرم کرمی، «ولایت‌نامه؛ نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی»، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، س ۷، ش ۲۷، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، ص ۲۱۵-۲۴۰.
- تقی‌الدین کاشی، جنگ خلاصه الأشعار، دست‌نویس شماره ۷۷۹۰ سالتیکوف شچدرین.
- جنگ خزائن القصیده (دست‌نویس)، به شماره ۶۵۰۶۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- جنگ شماره ۳۵۲۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (دست‌نویس)، کاتب علی بن احمد، مورخ ۸۴۴.
- جنگ شماره ۶۰۵۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (دست‌نویس)، ۲۳۸ برگ، بی‌تا.

دولت‌شاه سمرقندی، تذکرة السعراء، تصحیح ادوارد براون، چاپ لیدن، لیدن ۱۹۰۰ م/ ۱۳۱۸.  
 راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و ضبط محمد سید کیلانی، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.  
 سلیمی تونی، تاج‌الدین حسین، دیوان سلیمی تونی، تصحیح حسن عاطفی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۰.  
 کرمی، اکرم، «نمادهای قدسی در ولایت‌نامه‌های حضرت علی (علیه السلام)»، کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی ع، اصفهان ۱۳۹۸.

<https://civilica.com/doc/984738>.

کسرابی و پوزش شیرازی، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه؛ ابزاری کارآمد در فهم پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۳۳۹-۳۶۰.  
 لارین، خورخه، مفهوم ایدئولوژی، ترجمه فریبرز مجیدی، مرکز چاپ و انتشارات و کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۶.  
 مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان‌نژادی، نسل جوان، چاپ دوم، قم ۱۳۸۲.  
 مطهری، مرتضی، ولاءها و ولایت‌ها، انتشارات صدرا، بی تا، تهران.  
 هجویری، علی بن عثمان، کشف‌المحجوب، تصحیح محمود عابدی، سروش، چاپ ششم، تهران ۱۳۸۹.  
 یارشاطر، احسان، شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۳۴.

